



روزنامه جوان | شماره ۵۱۶

گفت‌وگوی «جوان» با عبدالحمید احمدی معاون فرهنگی، آموزشی و پژوهشی وزارت ورزش

## توقع مالی و بی‌مهتری مسئولان عامل تغییر تابعیت ورزشکاران است

برخی ورزشکاران برای هر پیروزی توقع مالی دارند

**گزارش یک**

وحد صابری

می‌رود. اینکه چه رخ می‌دهد و چگونه با آنها برخورد می‌شود که اینگونه راضی می‌شوند به تغییر تابعیت، مسئله‌ای است که نگاه کارشناسانه و دقت نظر بالایی را می‌طلبد.
چندی است که مسئله تغییر تابعیت ورزشکاران ایرانی به‌خصوص از جانب یکی از همسایگان شمالی به شدت حاد شده است. دکتر عبدالحمید احمدی معاون وزیر ورزش در این خصوص بارها اظهار نظر کرده است. آنچه در زیر می‌آید، نظرات او در گفت‌وگو با «جوان» در خصوص این مشکل بزرگ پیش روی ورزش است.



**طی سال‌های گذشته بارها شاهد پیشنهادهای وسوسه‌انگیز کشورهای دیگر به ورزشکاران ملی بوده‌ایم. مسئولان چه راهکاری برای مقابله با این مسئله در نظر گرفته‌اند؟**

این موضوع در یک فرایند زمانی طولانی به‌وجود آمده و قطعاً در کوتاه مدت قابل بررسی نیست. اینکه ورزشکاری به خاطر پول وسوسه می‌شود تا به کشورش پشت کند و به یک تیم دیگر برود باید مورد آسیب‌شناسی اجتماعی قرار بگیرد. به نظر من در دوران گذشته اقداماتی انجام پذیرفته که خیلی ثمر نداشت اما در نظر دارم یک گروهی در این باره تشکیل دهیم تا با بررسی همه جوانب، به صورت ریشه‌ای آن را حل و فصل کنیم.

**اشاره کردید به مشکلات مالی پس قبول دارید اصلی‌ترین مسئله در مهاجرت ورزشکاران پول است؟**

قطعاً مهم‌ترین مسئله مشکلات اقتصادی است، هر چند مشکلات فرهنگی هم در این قضیه بسیار مشهود است. اگر ما ساختارهای فرهنگی را در فدراسیون‌ها شکل دهیم، بی‌شک روز به روز، شاهد رشد و ارتقای مؤلفه‌های فرهنگی در کشوره تمامی فدراسیون‌های ورزشی کشورمان باشیم. آسیب‌شناسی در حوزه ورزش، مسئله‌ای بوده که از آن غافل بودهایم و این امر باید از فدراسیون‌ها شروع شود.

**اینها درست است، ولی وقتی ورزشکار می‌بیند که دیگر کشورها برای کارش ارزش و بهای بیشتری قائلند، آیا می‌توان باز هم فقط با آسیب‌شناسی جلوی مهاجرت او را گرفت؟**

**زوم**

**فریدون حسن**

دام پهن و طعمه برای صید آماده است، یعنی اینکه به راحتی قهرمانان و مدال‌آوران را تور می‌کشند اما مسئولان تنها در فکر تشکیل کار گروه هستند. کدام کار گروه؟! کسی نمی‌داند، خبری هم از آن نیست، ما گشتیم و پیدا نکردیم، شما هم وقت تلف نکنید. جالب‌تر اینکه آقایان می‌دانند چه کمپوهایی است و حق را برای رفتن به ورزشکار می‌دهند. تنها به یک آئین‌نامه ناقص و فشل پاداشی‌ها دلخوش هستند که آن راه ناقص می‌دانند و محتاج بازنگری پس صیاد، صیدت را ببر، مبارکت باشد، راستی چه حالی می‌شوید وقتی قهرمان دیروزمان پرچم کشور دیگری را بالای سر ببرد و با آن دور افتخار بزند؟ چه حالی می‌شوید وقتی نفر اول سکو ایرانی باشد اما سرود کشور دیگری در سالن پخش شود؟

باورش شاید سخت باشد اما واقعیت است، واقعیتی تلخ که روز به روز بیشتر می‌شود. کوچ ورزشکاران و مدال‌آوران ایرانی «به غیر از او احسان رجبی دیگر جودوگرانی است که راهی آن سوی مرزها شده است.
■ **دست رد رضازاده، بنا و ساعی به پیشنهادات**
اما برخی ورزشکاران نیز حاضر به پذیرش پیشنهادات افواکننده نشدند! حسین رضازاده بعد از قهرمانی در المپیک ۲۰۰۰ پیدینی مورد توجه بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفت. یونانی‌ها قصد داشتند با حقوق ماهانه ۲۰ هزار دلاری رضازاده را به تابعیت خود در بیاورند تا در المپیک ۲۰۰۴ آتن برای آنها وزنه بزنند، اما رضازاده دست رد به سینۀ آنها زد. سپس ترک‌ها او به پیشنهاد تغییر تابعیت دادند با حقوق ماهانه ۲۰ هزار دلار. اگر رضازاده پیشنهاد ترک‌ها را می‌پذیرفت و در المپیک آتن برای این کشور مدال طلا کسب می‌کرد، جایزه‌های ۱۰ میلیون دلاری در انتظار او بود، اما رضازاده حاضر به پذیرش این پیشنهاد هم نشد. هادی ساعی هم که یکی از پرفرآخترین ورزشکاران المپیک تاریخ ورزش ایران است، پس از المپیک ۲۰۰۴ آتن به پیشنهاد چند میلیون دلاری تایوانی‌ها مواجه شد. اما ساعی هم حاضر به انجام این کار نشد. محمدرضا آذرخشیون، آزادکار سنگین‌وزن کشورمان نیز از جمله ورزشکارانی بود که حاضر نشد برای ادامه کشتی قهرمانی‌اش، راه باکو را در پیش بگیرد.

**■ تکواندو و دنبال کردن سناریوی در ناگه!**

در سال‌های اخیر، سناریوهای زیادی در تکواندو بودند که سر از کشورهای دیگر درآوردند. داود اطمینانی، یکی از این ورزشکاران بود که با لباس تیم ملی انگلستان در مسابقات مختلف شرکت کرد. کوچ تکواندوکاران ایرانی ۲۰۱۰ سال قبل آغاز شد که راحله آسمانی دارنده مدال نقره بازی آسیای ۲۰۱۰ گوانگجو جلای وطن کرد و پیراهن تیم‌ملی بلژیک را پوشید. دینا بویونس

و میثم رفیعی نفرات بعدی بودند که به ترتیب راهی هلند و فنلاند شده و به عضویت تیم‌های ملی این کشورها در آمدند. اما بزرگ‌ترین کوچ ورزشی چند روز قبل شکل گرفت که پنج تکواندوکار ایران به عضویت تیم‌ملی جمهوری آذربایجان در آمدند. سینا بهرامی، میلاد بیگی، سهیلا سیاحی، پریسا کفایی

و احمدمحمدی نفراتی هستند که برای تیم‌ملی آذربایجان مبارزه می‌کنند.

این روزها هم اخباری در حضور یکی از تکواندوکاران ایران که حتی در انتخابی مسابقات اینچونج هم حاضر بود و بعد یکبارۀ اردوی تیم‌ملی را به مقصد یک کشور اروپایی ترک کرد، در جمهوری آذربایجان به گوش می‌رسد. زحماتش در ورزش ایران نامید، راهی آلمان شد: «سال‌ها برای رسیدن به

## وزرشور

سرویس ورزشی، ۸۸۹۸۴۳۳

### لزوم آسیب‌شناسی مهاجرت ورزشکاران

**ک نگاه**

سعید احمدیان

پدیده مهاجرت و تغییر تابعیت برخی ورزشکاران کشورمان پدیده ناخوشایندی است که چندی است دوباره در ورزش کشورمان خودنمایی می‌کند. ماه‌های آخر سال پیش بود که چند تکواندوکار ایرانی به دلایل مختلف به تابعیت کشور آذربایجان در آمدند و برای این کشور مبارزه می‌کنند. البته چند سال پیش هم این ماجرا برای دو کشتی‌گیر کشورمان پیش آمد و آنها وقتی دیدند در ایران شناسی برای بستن دوبنده تیم ملی ندارند، راهی آذربایجان شدند و حالا چند سال است که برای این کشور روی تشک می‌روند. در اینکه چرا برخی ورزشکاران تصمیم می‌گیرند با تغییر تابعیت زیر پرچم کشور دیگری مسابقه بدهند، پدیده‌ای است که نیاز به واکاوی و آسیب‌شناسی کارشناسان خیره ورزش دارد. البته پدیده تغییر تابعیت در کشورهای دیگر هم دیده می‌شود اما به نظر می‌رسد رخ دادن این اتفاق برای ورزشکاران ایرانی پدیده قابل‌تأملی است که باید بیشتر از قبل مورد توجه مسئولان و تصمیم‌گیرندگان ورزش کشور قرار بگیرد.

در باب چرایی تغییر تابعیت برخی ملی‌پوشان و چهره‌های بعضاً سرشناس ایران دلایل زیادی برشمرده شده است. یکی از مهم‌ترین علتهایی که در این باره مطرح است، عدم حمایت مالی و تأمین نشدن این ورزشکاران از سوی متولیان ورزش است. این افراد مدعی‌اند چون در ایران کسی قدر آنها را نمی‌داند و برایشان ارزشی قائل نیست، ترجیح داده‌اند به جایی بروند که هم از نظر مالی و شغلی تأمین باشند و هم بتوانند در مسابقات بین‌المللی به میدان بروند. حالا برایشان فرقی نمی‌کند که این پیراهن کشوری باشد که در آن متولد شده‌اند یا کشوری که جیبشان را پر پول کرده است! البته این توجیه در جامعه ورزش کمتر پذیرفته می‌شود و خیلی از ورزشکاران کشورمان هستند که با سخت‌ترین شرایط حاضر شده‌اند که تغییر تابعیت بدهند و برای کشور دیگری مسابقه بدهند.

با این حال این موضوع از مسئولیت مدیران و کسانی که برای ورزش کشور تصمیم می‌گیرند کم نمی‌کند و نمی‌توان سهمی از رشد پدیده تغییر تابعیت در بین ورزشکاران را متوجه آنها کرد. به همین خاطر موضوعی که باید مورد توجه قرار بگیرد، لزوم به‌وجود آوردن شرایطی است که یک ورزشکار به یک نخبه ورزشی فکرش به سمتی نرود که بخواهد ملیتش را عوض کند و برای یافتن شرایط بهتر از ایران کوچ کند. به هر حال برخی ورزشکارانی که در سال‌های اخیر مهاجرت کرده‌اند و به تابعیت کشورهای دیگر درآمده‌اند از سرمایه‌های ورزش ایران بوده‌اند و برای اینکه به این مرحله برسند و برای خودشان نملی دست و پا کنند سرمایه‌گذاری‌های زیادی روی آنها شده است تا این ملی‌پوشان به چنین رده‌ای برسند. هر چند در این مسیر این کشتی‌گیران با تکواندوکارهایی که امروز تغییر تابعیت داده‌اند با مشکلاتی هم دست و پنجه نرم کرده‌اند اما در مجموع این ورزشکاران با بودجه و سرمایه کشور رشد کرده و به مرحله‌ای رسیدند که توانسته‌اند چشم کشورهای دیگر را بگیرند و آن کشورها با پهن کردن تور، این چهره‌های ورزشی را جذب کنند و از استعداد و توانایی‌هایشان در ورزش به سود خودشان استفاده کنند. البته به کشوری مثل آذربایجان یا قطر که با ورزشکاران تغییر تابعیت داده شده به دنبال موفقیت در عرصه‌های ورزش جهان هستند نباید خرده‌ای گرفت. باید رشد چنین پدیده‌ای در ایران را در خودمان جست‌وجو کنیم و ببینیم چه وضعیتی بر ورزش کشور حاکم شده است که این ورزشکاران حاضر شده‌اند پیراهن کشور دیگری را در مسابقات ورزشی بپوشند.

به همین خاطر بدیهی است که در این بین مدیران ورزش نقش مهمی در عدم مهاجرت ملی‌پوشان رشته‌های مختلف ورزشی به کشورهای دیگر دارند. آنها باید با تدوین قوانینی در جهت حمایت مالی و شغلی از ورزشکاران حرکت کنند. به هر حال یکی از دغدغه‌های اصلی ملی‌پوشان رشته‌های ورزشی این است که دوران قهرمانی کوتاه است و برای روزه‌های بازنشستگی باید چاره‌ای بیندیشند. در همین راستا متولیان ورزش باید با حمایت‌های مالی و شغلی از یک قهرمان ملی، آینده‌زندگی او را تأمین کنند تا ورزشکاری که سرمایه ورزش کشورمان به حساب می‌آید و هزینه‌های زیادی برای رسیدن او به این مرحله شده است، هدر نرود و کشور دیگری از سرمایه‌های ورزش ایران استفاده نکند و میوه درختی را که در کشورمان کاشته شده کشور دیگری مانند آذربایجان برداشت کند. به همین دلیل باید مدیران ورزش با جدی گرفتن پدیده تغییر تابعیت سرمایه‌های ورزشی جلوی گسترش آن را بگیرند.



تغییر تابعیت ورزشکاران و تقلب ورزشی کشورهای سرمایه‌دار

### پول بده، قهرمان بخر

خرید ورزشکاران خارجی ترغندی است برای کشورهای بی که با تکیه بر بودجه هنگفت قصد دارند پیشرفت کاذب را به ورزش خود تزریق کنند. این در حالی است که معمولاً ورزشکارانی که از شرایط مدیریتی حاکم بر ورزش کشور خود، بی‌توجهی‌ها و کمبودهای مالی رنج می‌برند هدف این کشورهای سرمایه‌دار، قرار می‌گیرند، عرق ملی خود را زیر پا می‌گذارند و زیر پرچم کشوری بیگانه سرود ملی می‌خوانند.

**قطر**

کشوری کوچک در حوزه خلیج‌فارس که نزدیک به ۲ میلیون نفر جمعیت دارد، جمعیتی که ۱۵ میلیون نفر آن را مهاجران تشکیل می‌دهند. بدون شک

تشکیل تیم‌های ملی در رشته‌های مختلف آن هم از میان ۳۰۰ هزار شهروند قطری بسیار سخت است. منتها قطری‌ها با تکیه بر درآمد‌های نفتی دست به این تقلب ورزشی زده و بازیکنان خارجی را به کوبا که در المپیک ۲۰۰۴ با پرچم سوئدان رقابت کرده، در المپیک ۲۰۱۲ برای انگلیس به میدان رفت. شارا پروکتور قهرمان آنگولایی برش طول، فیلیپ هیندس دوچرخه‌سوار آلمانی، مایکل بینگهام، شاناکا کاکس، تیفانی پورتو (هرسه اهل آمریکا)، از مطرح‌ترین ورزشکارانی هستند که به اصطلاح حساسی فعال بوده و در جام ملت‌های آسیا از هشت بازیکن با تابعیت دو گانه استفاده کرد. سیف سعید شاهین یا همان استفان گرونو دودنده کتیایی یکی از مشهورترین ورزشکارانی است که در ازای دریافت دستمزدی هنگفت در سال ۲۰۰۲ تابعیت قطری را پذیرفت و او گونوده‌دونده‌نیم‌جری‌ها هم با تیم ملی قطر رکورد آسیا را شکست. به خدمت گرفتن هوزن‌نهم‌دار بلغارستانی با پرداخت یکمیلیون دلار در سال ۱۹۹۹ از جمله فعالیت‌های عرب‌های ثروتمند بوده

**■ بحرین**

رئیتج تو لاهل انیبوی پس از پذیرفتن تابعیت بحرینی نامش را به مریم جمال یوسف تغییر داد و قهرمانی مسابقات دو ۱۵۰ متر جهان را با پیراهن این کشور به دست آورد. جمال یوسف ساکن شهر لوزان سوئیس است!

**■ امارات**

دلارهای نفتی شیخ‌نشین‌ها موجب شد تا سعید محمد ابوبیایی، یک قهرمانی دو ۱۰ هزار متر جهان را برای امارات به ارمان بیاورد.

**ولی آئین‌نامه پرداخت پادشاهام باشکالاتی رویه‌رو است، این طور نیست؟**

به نظر من آئین‌نامه نیاز به بازنگری دارد. آئین‌نامه‌ای که ما از آن صحبت می‌کنیم صرفاً برای پادشاهی قهرمانان است. این اگر حساب کنیم می‌بینیم که چه مبلغ قابل‌توجهی پرداخت شده‌اما آبا باعث شده مشکلات ورزشکاران برای مادام‌العمر حل شود. در واقع اشکال آئین‌نامه، جامع نبودن آن است. ما باید کاری کنیم تا خیلی از مشکلات قهرمانان در آن گنجانده شود.

**پس برای مقابله با این پدیده چه باید کرد؟ آیا فقط در هنگام سازی و تقویت شرایط مالی کافی است؟**

همه کشورها برای قهرمان ملی‌شان در قبال مدال آوری هدایایی در نظر می‌گیرند و این عرف هم در ایران انجام می‌شود اما متأسفانه در کشور ما کمی از حالت اجرایی خارج شده یعنی ورزشکار مادر هر حالتی فقط برای مسائل مادی یا به مسابقات می‌گذارد که البته تا حدودی هم طبیعی است اما اگر در کنار این موضوع بحث فرهنگ‌سازی هم باشد، این وقت یک ورزشکار با جان و دل برای کشورش افتخار فرینی می‌کند. آن زمان است که تعصب ملی رنگ دیگری به خود می‌گیرد. حمایت‌های همه‌جانبه مسئولان بیشتر از قبل نمود پیدا می‌کنند و در نهایت باعث پیشرفت و اعتلای ورزش می‌شود.

تیم‌ملی زحمت کشیدیم و درآمد دیگری جز ورزش و تیم‌ملی نداشتیم. زمانی که به نفر اول وزن خود در تیم‌ملی تبدیل شدم، خیلی راحت زحمات من نادیده گرفته شد.»
به غیر از او احسان رجبی دیگر جودوگرانی است که راهی آن سوی مرزها شده است.

**■ دست رد رضازاده، بنا و ساعی به پیشنهادات**

اما برخی ورزشکاران نیز حاضر به پذیرش پیشنهادات افواکننده نشدند! حسین رضازاده بعد از قهرمانی در المپیک ۲۰۰۰ پیدینی مورد توجه بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفت. یونانی‌ها قصد داشتند با حقوق ماهانه ۲۰ هزار دلاری رضازاده را به تابعیت خود در بیاورند تا در المپیک ۲۰۰۴ آتن برای آنها وزنه بزنند، اما رضازاده دست رد به سینۀ آنها زد. سپس ترک‌ها او به پیشنهاد تغییر تابعیت دادند با حقوق ماهانه ۲۰ هزار دلار. اگر رضازاده پیشنهاد ترک‌ها را می‌پذیرفت و در المپیک آتن برای این کشور مدال طلا کسب می‌کرد، جایزه‌های ۱۰ میلیون دلاری در انتظار او بود، اما رضازاده حاضر به پذیرش این پیشنهاد هم نشد. هادی ساعی هم که یکی از پرفرآخترین ورزشکاران المپیک تاریخ ورزش ایران است، پس از المپیک ۲۰۰۴ آتن به پیشنهاد چند میلیون دلاری تایوانی‌ها مواجه شد. اما ساعی هم حاضر به انجام این کار نشد. محمدرضا آذرخشیون، آزادکار سنگین‌وزن کشورمان نیز از جمله ورزشکارانی بود که حاضر نشد برای ادامه کشتی قهرمانی‌اش، راه باکو را در پیش بگیرد.

**■ تکواندو و دنبال کردن سناریوی در ناگه!**

در سال‌های اخیر، سناریوهای زیادی در تکواندو بودند که سر از کشورهای دیگر درآوردند. داود اطمینانی، یکی از این ورزشکاران بود که با لباس تیم ملی انگلستان در مسابقات مختلف شرکت کرد. کوچ تکواندوکاران ایرانی ۲۰۱۰ سال قبل آغاز شد که راحله آسمانی دارنده مدال نقره بازی آسیای ۲۰۱۰ گوانگجو جلای وطن کرد و پیراهن تیم‌ملی بلژیک را پوشید. دینا بویونس و میثم رفیعی نفرات بعدی بودند که به ترتیب راهی هلند و فنلاند شده و به عضویت تیم‌های ملی این کشورها در آمدند. اما بزرگ‌ترین کوچ ورزشی چند روز قبل شکل گرفت که پنج تکواندوکار ایران به عضویت تیم‌ملی جمهوری آذربایجان در آمدند. سینا بهرامی، میلاد بیگی، سهیلا سیاحی، پریسا کفایی و احمدمحمدی نفراتی هستند که برای تیم‌ملی آذربایجان مبارزه می‌کنند.

این روزها هم اخباری در حضور یکی از تکواندوکاران ایران که حتی در انتخابی مسابقات اینچونج هم حاضر بود و بعد یکبارۀ اردوی تیم‌ملی را به مقصد یک کشور اروپایی ترک کرد، در جمهوری آذربایجان به گوش می‌رسد.